



بخشی از آینه کاری حرم های امام رضا (ع) و امام حسین (ع)
کار دست رضا صادق زاده یزدی است

۵۴

تجلی آفتاب بر آینه



عکس: احمد حسینی/شهرآرا

دختران و پسران محله شقایق یک
با امکانات محدود به اردوی تیم ملی راه یافته اند
مسجد قهرمان پرور

۶



اهالی اطراف شاهد ۳۵ و ۳۷، به علت خطرات جانی
درخواست نصب سرعت گیر دارند
باز هم تصادف در بولوار شاهد

۳

زمین ورزشی شهید رنگرز در محله هاشمیه
پاتوق ورزشی متفاوتی برای ورزشکاران است
بیا بسکتبال، بدون هزینه

۷

همسایه به همسایه، دیدار بیست و سوم، خیابان پایداری ۴

یکدیگر را تنها نمی گذاریم

فهمیه شهری | خیابان پایداری ۴ در محله سرفرازان همسایه هایی به سرسبزی درختانش دارد. ساکنان اینجا همه جوهره هوای یکدیگر را دارند. اگر کسی بدون نان بماند، چندین همسایه برایش نان می فرستند؛ کسی عزادار شود، اول به همسایه هایش می گویند و بعد که همسایه ها دورش جمع شدند، خبر از دست دادن عزیزش را به او می گویند؛ با هم کربلا و پارک و... می روند؛ از بچه های یکدیگر نگهداری می کنند و برای هم آتش پشت پامی پزند. رضیه خانم آقاسی زاده یکی از همسایه های این خیابان است که با خیلی ها ارتباط دارد. او در خانه اش جلسه قرآن برگزار می کند و همین موضوع باعث آشنایی بیشتر و دورهمی همسایه ها شده است.

● مادری کردن در نبود مادر

همسایه ها از رضیه خانم به عنوان فردی خوش رو، مهربان و کارراه انداز یاد می کنند. او خیلی کارها برای همسایه هایش انجام داده است. اما آنچه بیش از همه در ذهن اطرافیان مانده، نگهداری کردن از فرزند معلول همسایه است که به خاطر سفر حج یک ماه نبوده و رضیه خانم نگذاشته است آب در دل فرزندانش تکان بخورد. او در این مدت علاوه بر نگهداری از این فرزند معلول بیست ساله، برای دیگر بچه های همسایه اش غذای پخته و دورشان را طوری شلوغ می کرده است که احساس دل تنگی نکنند.

به نظر رضیه خانم، همسایه خوب باید خوش اخلاق باشد و به درد همسایه اش بخورد. او اعظم خانم یزدی پور را به عنوان یکی از همسایه های خویش معرفی می کند و می گوید:

سال ۱۳۹۴ همسرم، خدا بیامرز حسن یا هر خواه، در حادثه منابه شهادت رسید. دوازده روز طول کشید تا بیکرش به اینجا رسید. در این مدت مدام خانه ام مهمان می آمد و سفره پهن می شد. بعد فهمیدم اعظم خانم غذای پخته و می فرستاده است. الان هم اگر کوچک ترین مشکلی داشته باشم، در خانه او را می زنم.



همسایه به همسایه

۹

● دورهمی به نفع مستمندان

اعظم خانم یزدی پور از سال ۱۳۷۳ به این محل آمده و جزو اولین ساکنان این خیابان است. او می گوید: من با دختر و عروسم در یک ساختمان و با هم زندگی می کنیم، اما چون آن ها شاغل هستند، هر کار دارم، سراغ همسایه ها می روم. او می گوید: وقتی من به تنهایی یا با همسرم به سفر می روم، خاظم جمع است که همسایه ها همه جوهره هوای بچه هایم را دارند.

به نظر اعظم خانم، همسایه خوب کسی است که دروغ نگوید و پشت سر همسایه اش حرف نزند. او معتقد است همسایه در عین حال که نباید در زندگی دیگران فضولی کند، باید هوای همسایه اش را داشته باشد و هنگام گرفتاری به دادش برسد.

او اشرف خانم سپیدگر را به عنوان یکی از همسایه های خوبشان معرفی می کند و می گوید: او از آن همسایه های بی آزار است و اگر بفهمد کسی کمکی لازم دارد، دریغ نمی کند. در دورهمی های همسایه ها حاضر می شود و وقتی کارهایی مثل خیاطی یا سبزی پاک کردن به نفع مستمندان انجام می دهیم، او هم مشارکت می کند.

● پشت گرمی به همسایه ها

پارسال همسر اشرف خانم فوت کرده است. پیش از اینکه به او اطلاع دهند، همسایه ها با خبر شده و دورش جمع شده اند و بعد خبر فوت مرحوم را به او داده اند. اشرف خانم می گوید: این همسایه ها قوت قلب آدم هستند.

او یک همسایه دارد که کلی گرفتاری برایش درست کرده و آرامشش را برده است؛ تا حدی که قصد داشته است خانه اش را عوض کند، اما به خاطر همسایه های خویش، دلش نیامده و ترجیح داده است همین جا باشد.

اشرف خانم که بعد از خدا پشتش به همسایه های خویش گرم است، می گوید: همسایه های این خیابان خیلی هوای هم را دارند. اگر یکی برود سفر، برایش آتش پشت پادری می کنند؛ کسی بیمار باشد، عیادتش می روند؛ بنایی داشته باشد، با او مدارا می کنند؛ عزادار باشد، تنهایش نمی گذارند و خلاصه اینکه همه جوهره هوای هم را دارند.

او ادامه می دهد: اگر من یک شب از روی حواس پرتی بدون نان مانده باشم، چندین همسایه برایم نان می آورند. مسافرت که می روم، کلید خانه ام را به همسایه های دهم اگر بیمار باشم، به عیادت می آیند. خدا خیرشان بدهد. آدم را تنهانی گذارند. به نظر او، همسایه خوب نعمتی است که باید قدرش را دانست.



جشن بزرگ مذهبی در مجتمع آفتاب محله ایثارگران برگزار شد

دورهمی وارثان غدیر

ریاحی | جشن بزرگ وارثان غدیر پنجمین سال پیاپی در مجتمع مسکونی آفتاب در خیابان آیتا... مشکینی برگزار شد. هیئت امنای مجتمع و هیئت خدمتگزاران امام رضا (ع) دست اندرکاران این رویداد بودند و از امسال شهرداری منطقه ۱۰ هم پای کار آمد. اجرای گروه موسیقی بیدل، استندآپ کمدی، مولودی خوانی، مسابقه و اهدای جایزه از بخش های متنوع این جشن محلی بود. در این جشن یکی از کارشناسان حقوقی حاضر شد و درباره آداب و قوانین آپارتمان نشینی برای اهالی صحبت کرد. افرادی که در این گفت و گو حاضر بودند، جوایزی دریافت کردند. همچنین هر کدام از ساکنان در حد توان در این کار خیر شرکت داشتند؛ از تهیه یخ و آب سرد تا کمک های مالی میلیونی.



خانه موزه ملک
در باغ وکیل آباد راه اندازی شد
**در پاسداشت
وقف و مفاخر**

ریاحی | خانه موزه ملک با هدف پاسداشت یکی از واقفان بزرگ کشور، حاج حسین آقا ملک، و نیز ترویج سنت حسنه وقف، در باغ وکیل آباد راه اندازی شد. شهردار منطقه ۹ درباره افتتاح این موزه گفت: خانه موزه ملک مکانی است که حاج حسین آقا ملک بیلاق خود را در شهر مشهد در همین محل قرار داده بود و در آن اقامت می کرد.

حدود ۴۵۰ میلیارد ریال صرف مرمت بنا و تجهیز خانه موزه شده و اجرای این پروژه حدود دو سال به طول انجامیده است. بخش درخور توجهی از این مدت به انجام فعالیت های تحقیقاتی، جمع آوری اسناد و مدارک و پژوهش درباره این بنا اختصاص یافته است. سعید حسینقلی زاده مقدم در توضیح بیشتر بیان کرد: یکی از اتاق های خانه موزه به پژوهشگران و علاقه مندان به حوزه وقف اختصاص یافته و بارایانه برای انجام تحقیقات تجهیز شده است. علاوه بر این، یک کتابخانه کوچک در این مجموعه فراهم شده است تا دسترسی به منابع مرتبط تسهیل شود.

طبق آنچه شهردار منطقه ۹ می گوید، خانه موزه ملک دارای بخش های متعددی است که از دوران تولد حاج حسین آقا ملک آغاز می شود و به معرفی شخصیت ایشان و وقف هایی می پردازد که در سطح کشور و شهر مشهد انجام داده است.



اهالی اطراف شاهد ۳ و ۳۷، به علت خطرات جانی، درخواست نصب سرعت گیر دارند

باز هم تصادف در بولوار شاهد

رضایحی | در نشست خرداد ماه اهالی منطقه ۱۰ با شهردار این منطقه، در سامانه ۱۳۷ تماسی برقرار شد مبنی بر تصادف های زیاد در بخشی از بولوار شاهد. این تماس ما را به این نقطه از محدوده قاسم آباد کشاند تا مشکلی را بررسی کنیم که جان شهروندان را تهدید می کند.

انگاری اصابت خودروها به هم، پای ثابت اتفاقات بولوار شاهد در هفته های گذشته بوده است و صدای ترمزهای دلهره آور خودروها هراس رابه دل شهروندان می اندازد.

محدوده ای که شهروندان به آن اشاره می کنند، حدفاصل شاهد ۳۵ و ۳۷ است. در این بخش از مسیر، سرعت خودروها زیاد است و هیچ اقدام ترافیکی بازدارنده ای هم برای پیشگیری از وقوع حوادث صورت نگرفته است.



۶۰ روز برای نصب سرعت گیر!

ساعت ۱۸ سری به این نقطه از قاسم آباد می زنیم. کلاس درس زبان انگلیسی که در همان حوالی است، خیلی شلوغ به نظر می آید. یکی دو تارستوران هم در اطراف است که رفت و آمد اهالی را بیشتر می کند. آن طرف خیابان، نبش شاهد ۲۸، ایستگاه اتوبوس قرار گرفته است که آن هم باعث ازدحام شده است.

آرزو جوادانی که پسرش را هر روز به آموزشگاه زبان انگلیسی می آورد، درباره شدت و تعداد تصادف های این محدوده به شهرآرامحله می گوید: اینجا مسیر رفت و آمد هر روز من است و خیلی وقت ها صدای ترمز ماشین ها کلافه ام می کند. هر بار می گویم باز دوتا ماشین به هم خورده اند!

جوادانی ادامه می دهد: یک بار بعد از تصادف یک پراید و سمند با سامانه ۱۳۷ تماس گرفتم و از لزوم احداث سرعت گیر در این محدوده پر حادّه گفتم. چند روز بعد برآیم پیامکی آمد که کارشناس ها از محل بازدید کرده اند و این سرعت گیر طی دو ماه آینده احداث خواهد شد. او با ناراحتی می گوید: چرا دو ماه آینده؟! نصب یک سرعت گیر چقدر وقت و هزینه نیاز دارد که به شصت روز آینده موکول شود؟ باید خدای ناکرده حادثه انسانی رخ بدهد که مسئولان به فکر بیفتند؟

۴۰ مجروح در یک تصادف

چند دقیقه ای مقابل خیابان شاهد ۳۵ به تماشای وضعیت معبر و خطراتی که اهالی مطرح کرده اند، می ایستیم. مشخص می شود که مهم ترین چالش در این نقطه از قاسم آباد، سرعت زیاد خودروها و

البته توقف یک باره آن هاست. شاید اگر پیش از این معبر سرعت گیری نصب شود، تعداد حوادث را به حداقل برساند. مهدی کرمی که یکی از کسبه همان حوالی است، به ما می گوید: هر ماه یک تصادف داریم، شاید هم بیشتر. همین دو هفته پیش دوتا ماشین به هم خوردند و چهار نفر از سرنشین های خودروها مصدوم شدند و با آمبولانس به بیمارستان منتقل شدند. با احداث یک سرعت گیر خیلی از مشکلات حل می شود.

او ادامه می دهد: البته خودروها هم خیلی مقصر هستند. وقتی از تقاطع شریعتی و شاهد به سمت بالا حرکت می کنند، انگار دنبالشان هستند. خیابان هم معمولاً ترافیک ندارد و این هم خودش مشکلی شده است! شاید اگر کمی بولوار شلوغ تر باشد، راننده ها هم مجبور شوند رعایت کنند. اگر روال همین طور باشد، معلوم نیست اینجا چند تصادف و مجروح دیگر بدهد.

سرعت گیر نصب می شود

برای موضوع وضعیت ترافیکی محدوده بولوار شاهد به سراغ معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ می رویم. سعید میرسعیدی پس از بازدید از محل، به شهرآرامحله توضیح می دهد: به این نتیجه رسیدیم که برای این بخش از بولوار شاهد نصب سرعت گیر الزامی است.

او با اشاره به اینکه نصب سرعت گیر در کاهش سرعت خودروها مؤثر است، بیان می کند: منتظر بازگشایی اعتبارات سال ۱۴۰۴ هستیم و به محض انجام این کار، مراحل انتخاب پیمانکار و نصب سرعت گیر انجام می شود.

شهرآرامحله این موضوع را تا رسیدن به نتیجه نهایی پیگیری می کند.

مردم و مسئولان منطقه مادر سامانه ۱۳۷

تعداد پیام های مردمی

۲۱ تماس

درخواست های مربوط به حوزه عمرانی

در این حوزه چهار تماس گرفته شد و شهروندان درخواست ایجاد روکش آسفالت در خیابان های نهضت ۱/۲ و ۱/۵، بهسازی لچکی های خاکی حدفاصل کوچه های شهید کرد نوغانی ۲۳ و ۲۵ و بهسازی پیاده روهای خیابان شریعتی ۳۵ حدفاصل کوچه های شهیدفضلی ۹ و ۱۱ را داشتند.

درخواست های مربوط به حوزه خدمات شهری

این بخش دو تماس تلفنی را در برمی گرفت؛ جمع آوری نخاله های زمین رها شده در خیابان پیامبر اعظم ۷۳/۸ و درخواست رفت و روب کوچه آزاده ۲۹ از جمله این درخواست ها بود.

درخواست های مربوط به حوزه ترافیک

درخواست رسیدگی به خرابی دستگاه های شارژ من کارت در ابتدای بولوار اندیشه و فاصله زمانی زیاد برای تردد اتوبوس های خطوط ۷، ۱۵ و ۴۲، جانمایی پل هوایی مقابل مجموعه ورزشی و تفریحی موج های آبی و ایجاد سرعت گیر حدفاصل خیابان های شاهد ۳۵ و ۳۷، شش تماس شهروندان در حوزه ترافیک بود.

درخواست های مربوط به حوزه فضای سبز

درخواست رسیدگی به چمن و فضای سبز ورودی بولوار امامیه از سمت بزرگراه آیت الله هاشمی رفسنجانی، رسیدگی به بوستان های محلی خیابان امامیه ۸۱ و بوستان نغمه در شهرک رازی و فضای سبز حدفاصل خیابان های شاهد ۲ و ۴ و ایجاد نشیمن و روشنایی مناسب برای لچکی فضای سبز خیابان حسابی شمالی ۳۰، پنج درخواست اهالی در این حوزه بود.

رضایحی | وحید برجسته نژاد، شهردار منطقه ۱۰، همراه سعید میرسعیدی، معاون فنی و اجرایی شهرداری این منطقه، در این هفته با حضور در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷، بدون واسطه و طی تماس تلفنی به مشکلات مردم پاسخ دادند. این گفت و گو حدود یک ساعت و نیم به طول انجامید.

درخواست های شهروندان مربوط به حوزه شهرسازی

چهار شهروند درخواست رسیدگی به ساخت و سازهای غیرمجاز در خیابان های نهضت ۸، حسابی شمالی ۲۸، آزاده ۳۳ و شهیدمشکینی ۷ را داشتند.

شهرآرامحله پیگیری می کند

شهرآرامحله در هفته های آینده موضوع رسیدگی به پیاده روهای خیابان شریعتی ۳۵ و بوستان نغمه در شهرک رازی را بررسی خواهد کرد.



بخشی از آینه کاری حرم های امام رضا (ع) و امام حسین (ع)
کار دست رضا صادق زاده یزدی است

تجلی آفتاب بر آینه

فهمیه شهری اهر بار که به حرم می رفت، زل می زد به آینه کاری ها. برایش جالب بود و دوست داشت بداند چطور این آینه ها را برش می زنند و روی سقف می چسبانند. همسایه شان، علی آقای جلالیان، آینه کار بود. اما هیچ وقت نحوه کارش را ندیده بود. یک بار شنید آقای همسایه می خواهد برای آینه کاری به شهرستان برود. از قضا داشت گلایه می کرد از اینکه شاگردش گفته است نمی آید. او هم گل را گرفت و گفت من به جایش می آیم.

همین سفر، رضا صادق زاده یزدی را پایبند هنر آینه کاری کرد. از آن موقع تا کنون حدود سی سال می گذرد و در این مدت او تجربه های گوناگونی از آینه کاری در حرم امام حسین (ع)، حرم امیرالمؤمنین (ع) و کشورهای لبنان و باکو داشته است. جزو آینه کاران حرم رضوی نیز هست و حتی مرمت بخشی از آینه کاری های زمان قاجار حرم امام رضا (ع) را انجام داده است.

آینه های یادگاری

از سال ۱۳۷۴ که صادق زاده به عنوان شاگرد همراه همسایه شان، علی آقا، برای آینه کاری به امامزاده عبدا... گرگان رفت، دیگر پایبند این حرفه شد. به گفته خودش به دلیل علاقه و کنجکاوی های زیادش خیلی زودتر از حد معمول این هنر را یاد گرفته و شاگرد معتمد استادش شده است. این هنرمند محله شاهد تعریف می کند: از سال ۱۳۸۰ که جوانی بیست و هفت ساله بودم، به صورت مستقل اولین کارهایم را قبول کردم. سه مورد آینه کاری در حرم رضوی تا سال ۱۳۸۵ به من سپرده شد: آینه کاری هزارمتری رواق دارالحججه، آینه کاری سیصدمتری رواق امام خمینی (ع) و آینه کاری دویست متری صحن جمهوری که به صورت تیمی کار می کردیم.

او اکنون که وارد این مکان ها می شود و هنرش را می بیند، احساس خوبی دارد: وقتی از آن ها عبور می کنم، همه خاطرات آن موقع برایم تداعی می شود. یک بار در نزدیکی آینه کاری خودم نشسته بودم که گفت و گوی دوازده رانشیدم که می گفتند چقدر برای آینه کاری هاز حمت کشیده شده و زیباست. وقتی می بینم در مکانی که زائران آرامش دارند، توانسته ام اثری از خودم به یادگار بگذارم، حس خوبی پیدایم کنم. او پس از این، چند سفارش خارج از کشور دریافت می کند: از جمله اینکه راهی لبنان می شود تا لابی شبکه تلویزیونی المنار و چند خانه و تالار عروسی را در این کشور آینه کاری کند. صادق زاده در این باره می گوید: لبنانی ها علاقه زیادی به هنر آینه کاری و ایرانی ها داشتند. همین که می فهمیدند ایرانی هستیم، کلی تحویلمان می گرفتند.



سال
رئیس
او می گو
حضرت
عبور می
امسال ه
بودم. به
حس و حس
دوران ک
پایشان
پیوستند
او تعریف
کوچه ه
بودند. ا
بسته ب
کوچک
خیلی بر
صادق
خانواد
است. او
امام حس

و
دورتا
بیرون ک
می گوید
تقاضای
همیشه
که حین
می شنو
منقلب
او تعریف
در حرم
پوشش
پیرزنی
خوبی ن
هزارتوم
سمت ص
بود و غ
در مضیقه
امام رض
این هنر
که از آن
آینه کاری
او می گو
می گویم
که یک
مراقبم

و
م
م
ب
م
د
ر
ع
و
ح

۱۳۸۴ برای آینه کاری مرقد میر موسوم آقاعازم با کودر آذربایجان شده است؛ یک سال آنجا بودم. آینه کاری یک گنبد بزرگ بود. وقتی تمام شد و همسر همپوشان برای بازدید آمد. ظرافت و دقت کار این قدر برایش حیرت انگیز بود که باهمان زبان ترکی پرسید: «همه این ها کار دست انسان است؟»

ید سال ۱۳۹۶ به مدت سه ماه در حال آینه کاری صحن زهراس^(۱) در نجف اشرف بودم. اما خیلی زود از این گفته هایش کند: انگار مطلب مهم تری یادش آمده است و سپس می گوید: هم زمان با عید نوروز ماه رمضان، در کر بلاوسرداب امام حسین^(ع) ترین جایی که کار کردم. همین سرداب امام حسین^(ع) است. دل خاصی داشت. نمی شود بیان کرد. ولی بهترین خاطره اری من بود. بعضی کارگران و هنرمندان با وجود اینکه زیر نرمه شیشه و تکه های میل گرد بود، حاضر نبودند کفش و با مراقبت کامل پا برهنه کاری کردند.

ب می کند: نزدیک افطار که از حرم بیرون می رفتم، در همه او خیابان های منتهی به حرم سفره های افطاری پهن کرده ز حرم که دورتر می شدیم، ماشین هایی بودند که غذای مدی توزیع می کردند. حتی افرادی بودند که یک قابلمه غذا درست کرده بودند و افطاری می دادند. این اعتقادشان را بهم جالب بود.

زاده در هر شهر و دیاری می رود، به علت دوری از شهر و اهانش، احساس غربت می کند، اما کربلا این طور نبوده می گوید: تنها جایی که احساس غربت نکردم، همین حرم سین^(ع) بود؛ درست مثل حرم امام رضا^(ع).

کاش آینه ها نشکنند

قتی قرار است در اماکن مذهبی آینه کاری شود، آموزش پوشیده می شود؛ طوری که مردم از ناظران و آینه کاران رانمی بینند. صادق زاده :همین که مردم ما را ببینند، جمع می شوند و دریافت آینه به نیت تبرک دارند. برای همین دور تا دور مان پوشیده است، اما همین طور کار کردن هستیم، صدای مناجات زائران را یم. بعضی وقت ها از صدای گریه زائر این قدر می شویم که گریه مان می گیرد.

ب می کند: حدود بیست سال پیش، یک بار امام رضا^(ع) از بالای داربست از قسمتی که پلاستیکی دور حفاظ پاره شده بود، دیدم بالباس های فرسوده که معلوم بود وضع مالی ندارد، کیفش را باز کرد و در حالی که فقط دو تا نی در کیفش داشت، یکی از آن را برداشت و به سریخ رفت که در آن بیندازد. مدام فکرم درگیر طه می خوردم به این اعتقادات او که با وجود به بودن خودش، نیمی از دارایی اش را صرف^(۲) کرد.

مند چنان تحت تأثیر این صحنه قرار گرفته هم زمان تا کنون هرگاه در اماکن مقدس در حال است، بیشتر مراقب است که آینه ها نشکنند. ید: هر آینه ای که در دستم می گیرم، با خودم شاید همان هزار تومان باشد؛ شاید پولی باشد مضافر از آن شبش زده و به حرم اهدا کرده است. شکند و حیف و میل نشوند.

مهمان نوازی روستایی ها

آینه کاری در مساجد و اما مزاده های مشهد و شهرهای مختلف حتی دیگر کشورها، بخش دیگری از کارهای صادق زاده را شامل می شود. او که در مسجد و مرکز اسلامی یکی از شهرهای روسیه، مساجد تهران، تربت حیدریه، قزوین، قوچان، لاهیجان، رشت، بلسر، آستانه، نیشابور، گلپهار، طبقه و... آینه کاری کرده است، می گوید: مهمان نوازی مردم ما به خصوص روستاییان خیلی دل چسب است. شمال در اما مزاده آستانه اشرفیه که بودیم، مردم روستاییان خودشان هماهنگ کرده بودند هر روز یک نفر برایمان غذا بیاورد. هر چه می گفتیم خودمان غذا می پزیم، قبول نمی کردند می گفتند شما مهمان ما هستید. حتی بعضی هایشان وضع مالی خوبی نداشتند، اما بهترین غذای ممکن را با جان و دل برایمان



دست نوشته ای برای آیندگان

صادق زاده طی سال های گذشته در حرم رضوی در صحن های دارالولایه و راهروی ورودی سرداب امام رضا^(ع) آینه کاری کرده است. او اکنون در دارالحجه وهشتی حرعاملی کار می کند و هنرش را بر جای می گذارد. این هنرمند پارسال در دارالحفاظ کار کرده که خاطره متفاوتی برایش رقم زده است: کارمان مرمت آینه کاری های دوره قاجار بود. چند بار داربست زده بودند که مرمت کنند، اما نتوانسته بودند. خدا را شکر ما به خوبی انجام دادیم و مرمت شد. البته این را بگویم که خود آینه هیچ وقت خراب نمی شود. صد سال هم بگذرد، رویش یک دستمال بکشید، مثل روز اولش می شود. رطوبت پشت آینه باعث شل شدن و ریختن آن می شود. برای همین، موقع مرمت آینه کاری ها باید زیرش را درست کنیم و دوباره مثل قبل سر جایش بگذاریم.

آنچه حین این مرمت توجه او را جلب کرده، روش کارشان است: اکنون ما محاسبات رسم ها را با رایانه انجام می دهیم. گذشتگان این ها را با دست و بسیار دقیق تعیین کرده اند. به گفته استادانمان، به جای چسب از شیره انگور استفاده می کردند. چون فناوری رنگ پشت آینه را نداشتند، به جایش از کاغذ روغنی استفاده می کردند. خیلی برای هنرشان وقت می گذاشتند. کاری را که اکنون مادر عرض یک ماه انجام می دهیم، آن ها باید پنج شش ماه وقت می گذاشتند.

او تعریف می کند: هنگام مرمت، کاغذ هایی را از زیر آینه ها پیداکردیم که نمی توانستیم خطش را ترجمه کنیم، اما از کلیاتش به نظر می رسید حاوی توضیحاتی درباره هنرشان است و اینکه چه کسانی و چه سالی آن را انجام داده اند. کاغذ ها را که تحویل آستان قدس دادیم، با خودم به این فکر می کردم که آیندگان چه قضاوتی درباره هنر ما می کنند. بعدش هم خودمان یادداشتی شبیه همان نوشتیم و اطلاعاتی درباره هنرمندان و سال انجام این کار نوشتیم و زیر آینه ها گذاشتیم تا در سال های بعد، منبعی برای آیندگان باشد.

کاری که یک میلی متر خطاهم ندارد

● چقدر طول می کشد تا یک نفر بتواند این هنر را یاد بگیرد؟ دست کم دوسه سالی باید شاگردی کند تا کار دستش بیاید.

● درآمد این حرفه چقدر است؟

در خدمت شاغل کارگری است. نه بازاری. قبلا سفارش هایبشتر بود. علاوه بر مساجد و اماکن مذهبی، افراد برای منازل یا تالارها و هتل ها سفارش کار می دادند. اما اکنون با کاهش سطح درآمد ها، همه این ها کمتر شده است. حتی در اماکن مذهبی هم کارها به صورت مختصر و با هزینه کمتر انجام می شود. به طور کلی درآمدش بازحمتش همخوانی ندارد.

● اکنون چند نفر استاد آینه کار ماهر داریم؟

در مشهد حدود بیست نفر. هنرمندان این عرصه بیشتر در شهرهای مشهد، اصفهان، اراک، قم و تهران هستند. دیگر شهرها خیلی حرفی برای گفتن ندارند. این راهم بگویم که حرم مطهر امام رضا^(ع) بزرگ ترین مرکز آینه کاری در ایران است. جایی ران دیده ام که مثل حرم رضوی این قدر آینه کاری داشته باشد.

● چقدر پیش می آید که آینه ها دستتان را ببرد؟

زیاد. تقریباً هر روز. البته به مرور بدن خودش را تطبیق می دهد و بریدگی های بدن ما با آینه نسبت به دیگر افراد کمتر از یتمان می کند. خودمان هم به طور تجربی یاد می گیریم که چطور آینه را در دست بگیریم که دستمان رانبرد، ولی باز هم جزو اتفاقات معمول و روزانه در کارمان است.

● برش آینه ها چطور انجام می شود؟

بالماس های آینه بری. بعضی نقش ها را ذهنی انجام می دهیم و برش می دهیم، ولی بعضی نقش ها محاسبات اولیه اش با رایانه انجام می شود. بیشتر مردم تصورشان بر این است که آینه هادر جای دیگری برش داده و به محل آورده می شود، اما این طور نیست و در محل و به صورت آنی برش داده می شود.

● انعکاس نور در آینه ها مزاحم کارتان نیست؟

تا وقتی که در حال انجام کار هستیم، چون دستمان روی آینه رد می اندازد، انعکاس چندانی ندارد. اما وقتی پرداخت می کنیم، انعکاس نور زیاد است. به طور کلی بیشتر آینه کاران پس از مدتی چشمشان ضعیف می شود.

● یک آینه کار چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟

صبر، حوصله و دقت زیاد. حتی یک میلی متر خطا، روی کل کار اثر می گذارد و مشکل ایجاد می کند.

● هر آینه کاری چقدر طول می کشد؟

بستگی به ریزی و درشتی و طرحش دارد. اگر طرحی معمولی و ساده باشد، هر مترش حدود دوسه روز طول می کشد.

● کار کردن در ارتفاع و روی داربست ترس ندارد؟

اولش چرا، اما چند بار که بروید، برایتان عادی می شود.

● تا حالا از داربست افتاده اید؟

خدا را شکر من نه، اما برای همکارانم زیاد پیش آمده است.

● این هنر چه سختی هایی دارد؟

زیاد. باید زمان هایی طولانی ایستاده باشی و سرت به سمت سقف و رو به عقب باشد. کار کردن بالای داربست، رفتن به شهرها و کشورهای دیگر و دوری از خانواده، سختی هایی است که تا عشق به کارت نداشته باشی، نمی توانی تحملش کنی و دوام بیاوری.

● جوانان امروزه چقدر به ورود در این عرصه تمایل دارند؟

خیلی کم. اول اینکه شناختی از آن ندارند. اگر هم واردش بشوند، پس از مدت کوتاهی که سختی های آن را می بینند، پشیمان می شوند. در این حرفه و هنر فقط عشق و علاقه است که آدم را پایبند می کند.

● آینه کاری سنتی را بیشتر دوست دارید یا مدرن؟

هر کدام زیبایی هایی دارد. بهتر است بگویم من به طور کلی آینه رادوست دارم. شفافیت و زلالی آینه، معنویتی که در آن نهفته است و صداقتی که در انعکاس دارد، همیشه برای من درس زندگی بوده است.

دختران و پسران محله شقایق یک، با امکانات محدود به اردوی تیم ملی راه یافته‌اند

مسجد قهرمان پرور

۹



راه تجربه



● گرفتن جام پس از ۴ سال

فرزاد فرهی نیا دانش آموز کلاس دهم است و از کلاس پنجم تمرینات رزمی را شروع کرده است. او هاتمیان را مثل پدر می‌داند و می‌گوید: خیلی وقت‌ها ما با احتی خانوادگی می‌آیم. کم می‌آوریم، اما استاد هاتمیان پشتیبانی می‌کند.

او تأکید می‌کند: حمایت‌های استاد هاتمیان فقط در مسائل ورزشی نیست، بلکه هر مشکلی داشته باشیم، فقط سراغ ایشان می‌رویم. در درس‌های ریاضی و شیمی هم اگر مشکل داشته باشیم، کمکمان می‌کند.

او و دوستانش که نمی‌خواهند جنبه‌های تکنیکی و مهارتی استاد هاتمیان مغفول بماند، چند نفری شروع به صحبت می‌کنند و می‌گویند: چهار سال بود که جام بین ورزشکاران کرگان و مازندران دست به دست می‌شد، اما اسفند پارسال اولین بار بود که ماز استان خراسان رضوی جام را گرفتیم. تیرماه امسال که میزبان مسابقات کشوری هستیم، می‌خواهیم باز هم ببریم و جام را نگه داریم.

امیرحسین مباشر کلاس نهم است و رتبه سوم رادر مسابقات به دست آورده. او از ورزشکارانی است که کار و ورزش و درس را با هم پیش می‌برد و می‌گوید: جمعه‌ها پدر و مادرم می‌روند شهرستان، اما من برای اینکه از درس و تمرینات عقب نمانم، یک سال است که به شهرستان نرفته‌ام.

محمد طاهای حسینی رتبه اول کشوری رده سنی نوجوانان را به دست آورده است. زمانی که این سالن را آماده‌سازی می‌کردند، او و پدرش سنگ‌کاری‌هایش را انجام داده‌اند. محمد طاهای می‌گوید: خوبی اینجا این است که همه ما مثل یک خانواده و حامی یکدیگر هستیم.

تعداد مدال‌آوران این باشگاه زیاد است و نوشتن از تک‌تک آن‌ها امکان‌پذیر نیست، اما مشترکات زیادی در کلامشان است. همه یکدیگر را خانواده می‌دانند. در فضای رقابتی، رفتار حمایتی دارند و فراتر از مدال‌های ورزشی، این قدر از لحاظ اخلاقی رشد کرده‌اند که خوش خلقی را سرلوحه می‌دانند.



● ورزشکاران نان‌آور

در آن سوی باشگاه، پسرهای مربی‌شان نشسته‌اند. مربیگری پسرهای باشگاه را معین هاتمیان برعهده دارد. او نماینده سبک‌های هاپکیدو و واکامیت سلف دیفنس در استان خراسان رضوی است. برای اینکه هزینه اجاره باشگاه‌ها زیاد است، صبح‌های جمعه به جای باشگاه، بچه‌ها را به کوه می‌برد و آنجا با آن‌ها تمرین می‌کند. او و شاگردانش در مسابقات کشوری هاپکیدو و باهشت پسر از این باشگاه حاضر شده‌اند که شش نفرشان مقام کشوری کسب کرده‌اند.

هاتمیان که به گفته خودش با شور و حال این بچه‌ها انگیزه می‌گیرد، می‌گوید: باتوجه به وضع اقتصادی جامعه، به طور معمول کسی حاضر نیست از درآمدش بگذرد و نیازهای مالی‌اش را نادیده بگیرد، اما این بچه‌ها این قدر پشتکار و استعداد دارند که باعث می‌شود من بیشتر از اهداف مالی، با عشق کنارشان باشم و تمرین کنیم.

او ادامه می‌دهد: از بچه‌های این محدوده شهر غفلت شده است و اگر این باشگاه‌ها و حمایت‌های ورزشی و فرهنگی نباشد، معلوم نیست به کجا کشیده شوند. او به انگیزه زیاد این بچه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: بعضی از این پسرها، با وجود اینکه کمتر از بیست سال دارند، سرکار می‌روند و کمک خرج خانواده هستند؛ هم‌زمان باید به درس و تمرینات ورزشی‌شان هم برسند. وقتی ما این تلاش و پشتکارشان را می‌بینیم، خودمان هم سر ذوق می‌آییم.



فهیمة شهری‌اورد پنج نفر به اردوی تیم ملی پسران و چهار نفر به اردوی تیم ملی دختران، نتیجه تمرینات. تلاش و پشتکار نونهالان، نوجوانان و جوانان مسجد امام علی^(ع) محله شقایق یک است که اسفند پارسال در مسابقات قهرمانی کشوری هاپکیدو و WHF حضور داشتند و سی شرکت‌کننده این مسجد، هجده مقام کشوری به دست آوردند.

اما فراتر از این مقام‌ها، وقتی با این قهرمانان گفت و گومی‌کنیم، به نظر می‌رسد باید مدال صمیمیت، همدلی، اتحاد و پشتکار هم به آن‌ها داده شود. ورزشکاران اینجا با کمترین امکانات، بیشترین تلاش‌ها را می‌کنند. یکدیگر را نه رقیب، بلکه اعضای یک خانواده می‌دانند. با گریه یک نفر اشک همه‌شان در می‌آید و با خنده یکی از اعضا، همه‌شان خوش حال می‌شوند.

● تمرین کردن با بچه‌های این محل را دوست دارم

طبقه بالای مسجد امام علی^(ع) محل تمرین قهرمانان محله شقایق یک است. اینجا تا حدود یک سال پیش به گفته خودشان مخروبه بوده است، اما با کمک یکدیگر و بودجه شهرداری دستی به سر و رویش کشیده‌اند. خودشان خاک و نخاله‌های آن را بیرون برده‌اند و گچ و سنگ‌کاری کرده‌اند. برای همین اینجا را بیشتر از یک فضای ورزشی، خانه دوم خودشان می‌دانند.

مربی دخترها زهرآهنگ پیشه و مربی پسرها معین هاتمیان است. هر دو با هزینه‌ای کمتر از حد معمول، هاپکیدو را به فرزندان این محله آموزش می‌دهند. هنرپیشه می‌گوید: کار کردن با بچه‌های این محل را دوست دارم. قدرشناس هستند و پرتلاش. بیشترشان مشکلات مالی و خانوادگی زیادی دارند. ولی با مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند تا بتوانند به جایی برسند.

او که به آینده ورزشی این بچه‌ها خیلی امیدوار است، توضیح می‌دهد: اسفند پارسال که مسابقات قهرمانی کشوری هاپکیدو بود، از ۲۲ دختری که به مسابقات راهی کردیم، دوازده نفرشان با مقام کشوری برگشتند. او با خوش حالی اعلام می‌کند که چهار نفر از این بچه‌ها به اردوی تیم ملی دعوت شده‌اند و باتوکل به خدا، اگر منتخب اردو بشوند، به مسابقات آسیایی ارمنستان راه پیدا می‌کنند.

● کمربند به شرط درس خواندن

هنرپیشه‌ها از شاگردانش که دایره‌وار کنارش نشسته‌اند، می‌خواهد خود را معرفی کنند. فرناز مرادی که کلاس یازدهم است و مقام دوم مسابقات قهرمانی کشوری هاپکیدو و WHF را به دست آورده است، می‌گوید: شش ماه است که به اینجا می‌آیم. جو صمیمی کلاس را خیلی دوست دارم. پیش از آن کلاس‌های مختلف ژیمناستیک، دوومیدانی و هندبال رفته بودم، ولی هیچ‌کدام مثل اینجا صمیمی نبودیم و این قدر خوش نمی‌گذشت.

انیساجوادی کلاس هفتم است و مقام سوم مسابقات را به دست آورده. او به پیشرفت‌های درسی‌اش اشاره می‌کند و می‌گوید: قانون اینجا این است که اگر کسی نمره پایین بگیرد، کمربندش را از او می‌گیرند. علاوه بر این، فقط دارندگان نمرات بالایی تواننده مسابقات کشوری بروند. برای همین از وقتی آمدیم، مدرسه را دهم می‌خوانم تا بتوانم از کلاس استفاده کنم.

سارا طهرانی دومسابقه را برده و در مسابقه آخر باید با خواهرش که یک سال از او کوچک‌تر است، مبارزه می‌کرده است. برای همین انصاف داده و مدال برنز گرفته است. سارا اعضای باشگاه را خواهران خودش می‌داند و می‌گوید: ما همه یک خانواده هستیم. خانم هنرپیشه هم ما مان ماست.



زمین ورزشی شهید رنگرز در محله هاشمیه پاتوق ورزشی متفاوتی برای ورزشکاران است

بیا بسکتبال، بدون هزینه

● بسکتبالیستی از بولوار هفتم تیر

پس از گذشت نیم ساعت، زمین ورزشی روباز بسکتبال شلوغ تر می شود و چند نفر می آیند تا بازی کنند. محسن با مادرش از انتهای بولوار هفتم تیر به اینجا آمده است. مادرش می گوید: من معمولاً برای مطالعه به کتابخانه مسجد جواد الائمه^(ع) می آیم. یکی دو بار محسن را هم با خودم آوردم. او عاشق بسکتبال است و وقتی دید اینجا زمین بسکتبال دارد، هر روز با من راهی می شود.

اکرم خانم ادامه می دهد: این جوری خیال من هم راحت تر است. پدرش صبح تا شب سرکار است و من همیشه برای اینکه پسرم را کجا بگذارم، دغدغه داشتم. او حالا در یک محیط سالم ورزش می کند و من هم به مطالعه خودم می رسم.

● پاتوقی برای تیم های ورزشی

کم کم سرو کله یک تیم بسکتبال هم پیدا می شود؛ البته تیم که نه، چهارپنج نفر از بسکتبالیست های مدرسه ای در بولوار هنرستان. رضا سلطانی، مربی این بچه ها، می گوید: زمین های ورزشی خصوصی خیلی گران است، اما اینجا رایگان در اختیار ورزشکاران قرار می گیرد. چه چیزی از این بهتر که فرهنگ ورزشکاری را بدون هزینه در بین اهالی رواج دهند؟

او ادامه می دهد: من و تیمم هفته ای دوسه بار به این زمین ورزشی می آییم و تمرین می کنیم. آب خوری و سرویس بهداشتی هم در پارک موجود است و بچه ها از این نظر هم مشکلی ندارند.

توپ بسکتبال در دست دارند و بازی می کنند. هانا که ۱۰ سالش است، برای صحبت پیش قدم می شود و می گوید: من خیلی بسکتبال دوست دارم. برای همین شب که می شود، با مادرم به اینجا می آییم. اینجا از فوتبالیست ها هم خبری نیست که مدام توپ هایشان به سر و کله مان بخورد. مرضیه قادری، مادر هانا، بچه ها را صدامی کند و چاشت مختصری به آن ها می دهد و دوباره مشغول بازی می شوند. مرضیه خانم به ما می گوید: امنیت اینجا خوب است. البته همیشه جوانانی که سگ دارند یا مشغول سیگار کشیدن هستند، در پارک پیچک پیدا می شوند، اما دوروبر زمین ورزشی پیدایشان نمی شود و بچه ها با خاطر آسوده بازی می کنند.

رضاریاحی زمین ورزشی روباز خیابان هاشمیه ۳۳ که به نام شهید رنگرز مزین شده است، جنب مسجد جواد الائمه^(ع) قرار دارد و این روزها پر از صدای بازی و شادی بچه هاست. معمولاً از ساعت ۱۷ به بعد که هوا کمی خنک می شود، بچه ها به این زمین ورزشی می آیند و تا پاسی از شب در آن به تفریح و ورزش مشغول اند.

این زمین ورزشی یک شاخصه مهم دارد و برخلاف اماکن مشابه که بیشتر برای بازی فوتبال یا گل کوچک بنا شده، پاتوق بسکتبالیست های محله است و از ورزشکاران حرفه ای تا آماتور در آن وقت می گذرانند. اینجا در این روزهای تابستان به دل خوشی بخشی از اهالی محله هاشمیه تبدیل شده است که ورزش روزانه برایشان اولویت دارد.

● ورزش کردن با خاطر آسوده

پنج سال پیش بود که زمین افتاده کنار بوستان پیچک، بر اساس سیاست های شهرداری مشهد مبنی بر گسترش فضاهای ورزشی عمومی، به زمین ورزشی روباز برای اهالی تبدیل شد. اینجا یک زمین بسکتبال استاندارد دارد و در گوشه ای هم دو تیر دروازه گل کوچک گذاشته اند تا فوتبالی ها هم از آن بهره ببرند.

در ساعت ۸ شب، نور این زمین مناسب است؛ به طوری که پروژکتورهای چهار گوشه زمین، این مجموعه ورزشی را مثل روز روشن کرده اند. هانا و کیانا و سلماسه همسایه و هم مدرسه ای هستند که دو



نوجوان ورزشکار محله خاتم الانبیا^(ص) خاطرات خوبی از رقابت ها دارد

جشن قهرمانی در شب تولد



امید محله

دیگر افتخاراتم در این رشته ورزشی است.

● بهترین خاطره ورزشی ات را برایمان تعریف کن.

بهمن پارسال بود که با کسب مدال طلا از مسابقات کشوری برگشته بودم. یک شب در باشگاه برایم جشن قهرمانی گرفته بودند و اتفاقاً همان شب، تولدم هم بود. خانواده و دوستانم برایم سنگ تمام گذاشتند.

● در هفته چقدر تمرین می کنی؟

تقریباً یک روز در میان به باشگاه می روم و دو ساعت تمرین می کنم.



رضاریاحی امپهسا آدینه زاده، دختر ورزشکار و خوش سروبانی است که از سه سال پیش، ورزش کاراته را دوباره شروع کرده است و حالا در چهارده سالگی، مجموعه ای از مدال های رنگارنگ دارد.

او که با خانواده اش در محله خاتم الانبیا^(ص) سکونت دارد، از شش سالگی ورزش حرفه ای را شروع کرده و البته با وقفه ای پنج ساله آن را ادامه داده است. برای مهستاحصیلش در اولویت است و خانواده اش به این شرط راضی به حضور او در باشگاه ورزشی هستند که به درسش لطمه ای نخورد.

● چه شد که سراغ ورزش کاراته رفتی؟

شش سالم بود که ورزش کاراته را شروع کردم و تا کمربند آبی هم پیش رفتم. پس از آن پنج سال از ورزش دور بودم تا همین سه سال پیش که چند نفر از هم کلاسی هایم در باشگاه کاراته ثبت نام کردند و من هم که عاشق این ورزش بودم، با آن ها همراه شدم.

● تاکنون چه قهرمانی هایی در این رشته کسب کرده ای؟

من در این سال ها پانزده بار در مسابقات گوناگون شرکت کرده ام. دوبار در مسابقات کشوری قهرمان شده ام و پنج مدال طلای استانی هم دارم. چهار مدال نقره و چهار مدال برنز مسابقات استانی نیز از

● رابطه ات با کتاب و مطالعه چطور است؟

عاشق کتاب های تخیلی و انگیزشی هستم. آخرین کتاب هایی که خوانده ام، «هری پاتر»، «معجزه شکرگزاری»، «ستاره ها را بشمار» و «بنویس تا اتفاق بیفتد» بود. البته در زندگی شخصی ام نیز همین گونه است؛ با تلاش و پشتکار به هر چه می خواهم، می رسم.

● چه چیز تو را تا این حد مشتاق حضور در باشگاه کرده است؟

اینکه الان مربی هنرهای تازه وارد هستم. از زمانی که کمربند آبی می بستم، مربیگری را شروع کردم. استاد فریده فرهانی خیلی به من روحیه می داد و این وظیفه را به من سپرد. به همین دلیل بمب روحیه هستم و در باشگاه احساس خوبی دارم.

● چرا برخی افراد فکر می کنند ورزش کاراته برای بانوان مناسب نیست؟

چون در کاراته ضربات سنگین و مستقیم به بدن بانوان وارد می شود. برخی تصور می کنند بدن خانم ها تحمل این ضربات را ندارد و باعث آسیب های جدی به آن ها می شود.

● نظر خودت چیست؟

خیلی ها غافل از این هستند که ورزش کاراته در خانم ها اعتماد به نفس ایجاد می کند و به رغم ظاهر خشن این ورزش، جوانمردی، ادب، نظم و احترام به بزرگ تر را به آن ها می آموزد.



۱. رازی، استادیوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، اینترگران، امام‌هادی^(ع)، خاتم‌الانبیاء^(ص)، میثاق

محلات منطقه‌ها

۹. نوفل‌لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرافرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیروهای، آب‌ویرق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲، گلدیس، ولی‌عصر^(عج)

به همت معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۱۰ و پیگیری شهرآرامجله انجام شد

جان گرفتن ورزش در امامیه



حسین الهی، یکی دیگر از ورزشکارانی که در این مجموعه ورزشی رفت‌وآمد می‌کند، ضمن ابراز خرسندی از بهسازی این زمین ورزشی روی باز، به شهرآرامجله می‌گوید: ارتفاع فنس‌های اطراف زمین دوبرابر شده است؛ قبلاً سه متر بود و حالا شش متر. دیگران نگران این نیستیم که توپ بچه‌ها وقت و بی‌وقت به داخل خیابان بیفتد و موجب نگرانی والدین باشد. او ادامه می‌دهد: فنس‌های اطراف زمین ورزشی هم رنگ آمیزی شده و یک تابلوی بزرگ هم بر سر در این مجموعه ورزشی نصب شده است که شناسایی‌اش برای ورزشکاران محله راحت‌تر باشد. این زمین ورزشی که پیش‌تر به نام «امید» معروف بود حالا به نام «مجموعه ورزشی امامیه» نام‌گذاری شده است.

ریاحی ازیست و چهارم اردیبهشت امسال بود که گزارشی مبنی بر امکانات کم مجموعه ورزشی روی باز امامیه در نبش خیابان امامیه ۸۳ منتشر کردیم. از همان موقع اصلاحات شهرداری منطقه ۱۰ روی این زمین ۲ هزار و ۵۰۰ مترمربعی آغاز شد و حالا پس از گذشت بیست روز تغییرات اساسی در آن صورت گرفته است. حسین مالکی، دانش‌آموز پانزده ساله‌ای که خانه‌اش در مجتمع نور است و هر روز با دوستانش در این زمین ورزشی بازی می‌کند، می‌گوید: در این یک ماه چهره زمین ورزشی روی باز محله ما از این رو به آن رو شده است. یک زمین فوتبال جایش را به یک زمین فوتبال، دو زمین والیبال و یک زمین فوتبال گل کوچک داده است.



۱۰

بازخورد

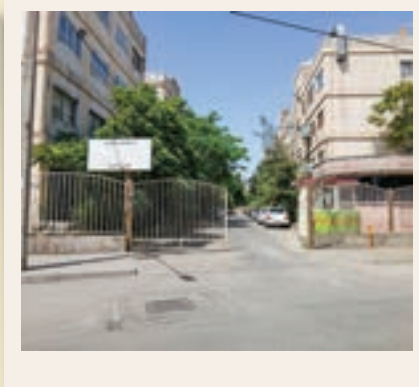
کلونی آپارتمان‌های نقلی

رضاریاحی اخیابان رستگاری ۲ در محله حجاب به نام شهید غلامعلی کمالی مزین شده است. در این معبر چندین مجتمع مسکونی قدیمی قرار دارد که عمرشان بیشتر از سی سال است و از میان آن‌ها می‌توان به مجتمع‌های امام علی^(ع)، سامان، پیام و آرمان اشاره کرد. آپارتمان‌های نقلی تک‌خوابه با مساحت پنجاه متر در برخی از این مجتمع‌ها یافت می‌شود که اجازه داد نشان به افراد مجرد باعث گلایه اهالی شده است؛ هرچند که نیروی انتظامی به این موضوع ورود پیدا کرده است.

خیابان رستگاری ۲
محله حجاب



بوستان خطی ابتدای رستگاری ۲، فضای سبز دل‌نشینی است که عصرها تاق اهالی است و نشیمن و نور مناسبی دارد.



مجتمع مسکونی ۱۴۴ واحدی ابتدای خیابان رستگاری ۲ در روز پدرب سال ۱۳۷۶ افتتاح شد و برای همین به نام امام علی^(ع) نام‌گذاری شده است. در این مجتمع واحدهای مسکونی تک‌خوابه، دوخوابه و سه‌خوابه قرار دارد که مساحتشان از ۶ تا ۱۱ مترمربع متغیر است.



مدرسه ابتدایی دوره اول و دوم پسرانه احمدفاریسیان سال ۱۳۸۰ در خیابان رستگاری ۲ تأسیس شد و حالا میزبان هفتصد دانش‌آموز در دو نوبت صبح و عصر است.